

بررسی روشمند محوطه قلعه گلرخ در دشت پس‌کرانه‌ای علامرودشت

خدیجه غلامی^I، یعقوب محمدی‌فر^{II}، علیرضا عسکری‌چاوردی^{III}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NBSH.2020.20007.2006

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۲

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۶۳-۱۸۸

چکیده

دشت‌های پس‌کرانه‌ای شمالی خلیج فارس، از مناطق تقریباً ناشناخته در باستان‌شناسی ایران است. این دشت‌ها حلقه واسط بین کرانه‌های خلیج فارس و مناطق شمالی هستند. در دشت‌های لامرد، مهر و علامرودشت محوطه‌های متعددی از دوره ساسانی شناسایی شده است. محوطه قلعه گلرخ چاه‌ورز در شرق دشت علامرودشت، روی پشته‌ای طبیعی به شکل قلعه‌ای محصور (از نوع قلعه‌های نامنظم) در کوه‌پایه جنوبی مشرف بر شهر چاه‌ورز قرار گرفته است. در بررسی‌های اولیه محوطه قلعه گلرخ به‌عنوان محوطه‌ای با استقرار اصلی دوره ساسانی معرفی شد. با توجه به ضرورت و اهمیت شناخت سفال ساسانی، در ابتدا پرسش اصلی پژوهش در خصوص مشخصات فنی سفال ساسانی این منطقه طرح شد؛ بر همین اساس چگونگی تبادلات فرهنگی این محوطه با سایر محوطه‌های هم‌عصر در کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس مطالعه شد. این محوطه به‌روش بررسی منظم (سیستماتیک) باهدف شناخت دوره‌های استقرار شبکه‌بندی و سفال‌های سطح‌الارضی ۳۰٪ از شبکه‌ها نمونه‌برداری شد. تعداد ۹۳۶۴ تکه ظروف سفالی جمع‌آوری، طبقه‌بندی و در جامعه آماری مورد تحلیل و گونه‌شناسی قرار گرفت. مجموع تحلیل‌های کمی و کیفی ظروف سفالی نشان می‌دهد که، پنج نمونه شکل بدنه ظرف، ۱۳ نوع لبه، سه نوع کف ظرف، دو نوع شکل دسته ظرف و هفت نوع شیوه تزئینی در سطح بدنه ظروف این محوطه به‌کاررفته است. گاه‌نگاری نسبی گونه‌های سفالی مکشوف از محوطه قلعه گلرخ نشان می‌دهد این محوطه در اواخر دوره اشکانی و آغاز دوره ساسانی مورد سکونت واقع شده است، در سده‌های میانه و پایانی دوره ساسانی و سرانجام آغاز دوران اسلامی هم‌چنان تداوم سکونت داشته است. این محوطه در سرتاسر دوره ساسانی مسکون و علاوه بر این که در روند تجاری، اقتصادی فرهنگی با منطقه فارس و خلیج فارس در ارتباط بوده است، وجود نوعی ظروف سفالی قرمز رنگ صیقلی هندی بیانگر ارتباطات فرمانطقه‌ای گلرخ در تجارت حوزه فرهنگی خلیج فارس با هندوستان است.

کلیدواژگان: قلعه گلرخ، نمونه‌برداری منظم، سفال ساسانی، پس‌کرانه خلیج فارس، دشت علامرودشت.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی «خدیجه غلامی» به‌راهنمایی «یعقوب محمدی‌فر» در گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا نگارش و دفاع شده است.

I. کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.

II. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).
mohamadifarbasu.ac.ir

III. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر شیراز، شیراز، ایران.

مقدمه

کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس، از جمله مناطق مهم از نظر فرهنگی و مبادلات اقتصادی در مطالعات باستان‌شناسی است. در دوران تاریخی و به خصوص دوره ساسانی کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس به دلیل وجود راه‌های تجاری دریایی (عسکری چاوردی و آذرنوش، ۱۳۸۳: ۱-۱۸) و در آغاز دوران اسلامی احتمالاً به دلایل مذهبی، بنا به اشاراتی در خصوص وجود آتشکده آذرنیغ در کاریان براساس داده‌های سفالی (عسکری چاوردی، ۱۳۹۱: ۳۹۷)، دارای اهمیت بوده و شاهد افزایش استقرارها در دوره ساسانی و آغاز دوران اسلامی در کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس است. اطلاعات در خصوص دوره‌های استقرارهای ساسانی در کرانه‌های شمالی خلیج فارس محدود به تعداد اندکی از محوطه‌ها مانند: سیراف، قشم، ریشهر و تل پرگو پارسیان می‌شود. وضعیت پس‌کرانه‌های شمالی خلیج فارس در زمان ساسانی ناشناخته‌تر از کرانه‌های خلیج فارس است.

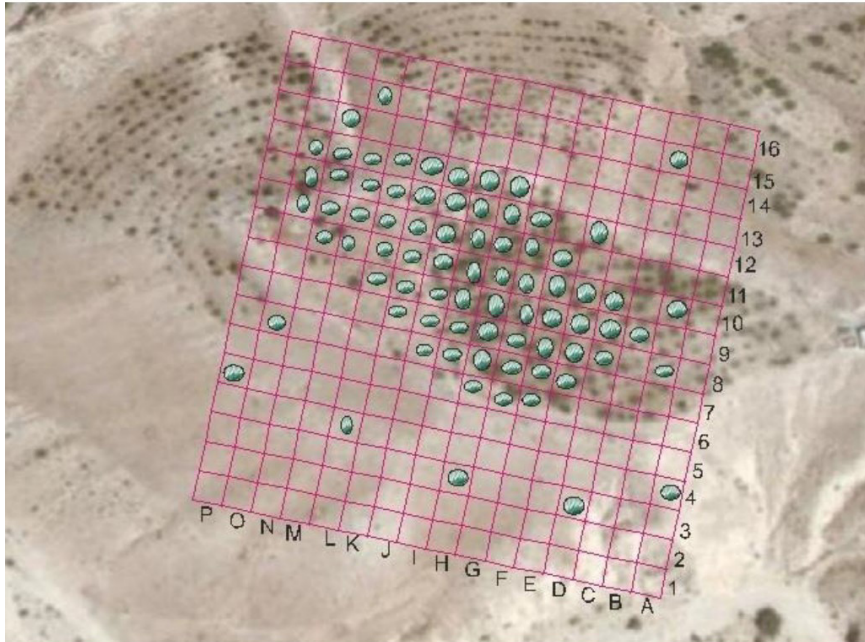
شهرستان لامرد در امتداد کوه‌های زاگرس جنوبی در استان فارس قرار دارد که در حوضه جغرافیایی پس‌کرانه‌های شمالی خلیج فارس محسوب می‌شود. بررسی‌های مقدماتی باستان‌شناسی نشان می‌دهد در دوره ساسانی استقرارها افزایش یافته است (عسکری چاوردی، ۱۳۸۳: ۱۲). منطقه مذکور در دوره ساسانی بخشی از کوره اردشیرخوره محسوب می‌شده است (عسکری چاوردی و آذرنوش: ۱۳۸۳: ۲). شهرستان لامرد از دو دشت علامرودشت و لامرد تشکیل شده است. محوطه گلرخ در قسمت شرقی دشت علامرودشت، در کوه‌پایه جنوبی شهر چاه‌ورز واقع شده است. موقعیت توپوگرافی این محوطه و انتخاب مکان ساخت قلعه نشان می‌دهد که قلعه بر بخش عمده‌ای از دشت و راه‌های بازرگانی این قسمت تسلط دارد. در این پژوهش ضمن شبکه‌بندی منظم محوطه گلرخ، سفال‌های این محوطه جمع‌آوری و گونه‌شناسی و طبقه‌بندی گردید؛ چراکه طبقه‌بندی در باستان‌شناسی هم جنبه توصیفی و هم جنبه تفسیر دارد. طبقه‌بندی، یعنی قراردادن عناصر مختلف هم‌گون در گروه‌های مختلف تا ارتباط بین آن‌ها را فهمید و ارزیابی کرد. طبقه‌بندی، شامل گروه‌هایی است که منحصراً «گونه» نامیده می‌شوند (دارک، ۱۳۷۹: ۹۶-۷۹).

در طبقه‌بندی سفال، شکل، فرم، شیوه ساخت، پوشش، پرداخت و تزئین، از جمله متغیرهای مهم محسوب می‌شوند. در این پژوهش به گونه‌شناسی و طبقه‌بندی سفال ساسانی قلعه گلرخ واقع در دشت پس‌کرانه‌ای علامرودشت لامرد پرداخته و نتایج حاصل از این گونه‌شناسی با دیگر مناطق دوره ساسانی، به خصوص محوطه‌های ساسانی واقع در فارس و کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس مقایسه می‌شود. مقایسه گونه‌شناختی برای تشخیص سبک سفالگری ساسانی، محوطه گلرخ با تاریخ‌گذاری نسبی یافته‌ها انجام شد. هم‌چنین تأثیر و تأثر این مناطق بر یکدیگر و هم‌چنین مبادلات اقتصادی و تعاملات فرهنگی مختلف با استناد به داده‌های سفالی محوطه بررسی شد و براساس آن تاحدودی وضعیت فرهنگی یکی از مناطق پس‌کرانه‌ای خلیج فارس در دوره ساسانی مشخص گردید.

در این پژوهش سعی بر معرفی، گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و تحلیل داده‌های سفالی به‌دست‌آمده از محوطه قلعه گلرخ چاه‌ورز در چارچوبی دقیق است تا با استفاده از این شاخصه‌ها سبک سفالی منطقه شناسایی، تفاوت‌ها و شباهت‌های احتمالی آن با دیگر مناطق پس‌کرانه‌ها خلیج فارس روشن شود. به دلیل موقعیت جغرافیایی این محوطه، شناخت نقش و کارکرد آن در تبادلات تجاری، فرهنگی به‌ویژه راه‌های تجاری خلیج فارس به محدوده اردشیرخوره اهمیت دارد؛ زیرا این منطقه دوره پیش از اسلام، بخشی از کوره اردشیر محسوب می‌شده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۰۰؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۲۸؛ نولدکه، ۱۳۷۸: ۴۸).

پرسش و فرضیه پژوهش: در ابتدا پرسش اصلی پژوهش درخصوص مشخصات فنی سفال ساسانی این منطقه طرح شد؛ سفال ساسانی قلعه گلرخ گویای سبک شاخص ساسانی ناحیه جنوب ایران فرهنگی در دوره ساسانی است و همچنین بازتابی از فرهنگ بومی منطقه چاه‌ورز در دوره ساسانی است. محوطه قلعه با محوطه‌های کرانه خلیج فارس و مناطق شمالی تر حوزه فارس در تبادل فرهنگی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بوده است.

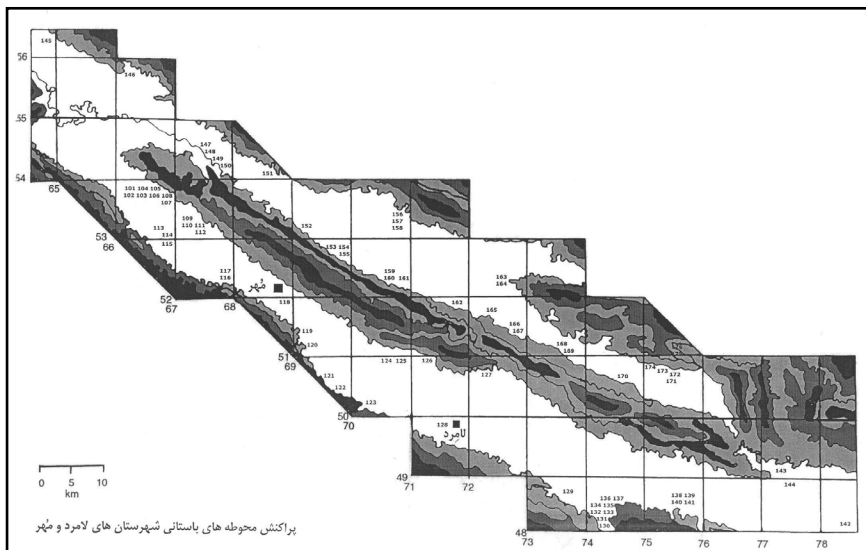
روش پژوهش: اتکا پژوهش در این پژوهش مطالعات میدانی است؛ به این روش که در ابتدا یافته‌های سطح‌الارضی به صورت روشمند نمونه برداری، مستندنگاری، توصیف و طبقه‌بندی شدند؛ سپس درصد تعریف‌شده‌ای از یافته‌ها بر مبنای معیارهای آماری ارزیابی و طبقه‌بندی و در نهایت داده‌های حاصل از پردازش آماری گروه‌های سفالی گونه‌شناسی و گاه‌نگاری شدند. از این رو در جریان این پژوهش، ابتدا نقشه برداری و توپوگرافی محوطه انجام شد. برای کنترل یافته‌های سطح‌الارضی و باهدف نمونه برداری روشمند ابتدا سرتاسر محوطه گلرخ شبکه‌بندی شد. هرکدام از شبکه‌ها به ابعاد 10×10 متر انتخاب شد و بر مبنای توپوگرافی بخش مسطح مرکزی، بخش‌های شیب‌دار شمال، شرق و غرب محوطه تمام سطح محوطه تحت پوشش شبکه مربعی قرار گرفت. شبکه‌ها در ردیف عمودی و افقی در دو جهت شمالی و شرقی بر اساس حروف الفبا از حرف A تا P و اعداد شمارشی ۱-۱۶ کدگذاری شدند. در مجموع محدوده‌ای به وسعت $25,600$ مترمربع تحت پوشش شبکه مربعی در این محوطه قرار گرفت. پس از شبکه‌بندی، تلاش شد ۳۰٪ از 256 شبکه ایجاد شده در سطح محوطه به صورت تصادفی انتخاب و تمام یافته‌های آن‌ها جمع‌آوری شود که در مجموع تمام یافته‌های سفالی و فرهنگی ۷۷ شبکه جمع‌آوری شد (شکل ۱). مهم‌ترین مواد فرهنگی در قلعه گلرخ، سفال‌های جمع‌آوری شده از شبکه‌های مورد بررسی متعلق به سطح محوطه است که به لحاظ فرهنگی دارای اهمیت بیشتری نسبت به آوارهای واقع در بخش شیب‌دار شمالی، شرقی و غربی در حاشیه محوطه هستند. طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و مقایسه گونه‌های سفالی با نمونه‌های مشابه در محوطه‌های کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس انجام و در نهایت برای نتیجه پایانی از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. فرضیه‌ها به استناد مدارک تاریخی ارزیابی شد و بر اساس استدلال‌های نسبی منتج از این پژوهش نتیجه‌گیری شد.



شکل ۱. شبکه بندی محوطه گلرخ Google Earth (نگارندگان، ۱۳۹۴).

پیشینه پژوهش

نخستین بار محوطه گلرخ طی بررسی‌های باستان‌شناسی عسکری چاوردی مورد شناسایی قرارگرفت و با شماره ۱۷۰ در سیستم شبکه بندی نقشه پراکنش محوطه‌های باستانی دشت‌های لامرد و مهر معرفی شد (عسکری چاوردی، ۱۳۸۳: ۱-۱۸). براساس یافته‌های سطح الارضی و مقایسه گونه‌شناسی ظروف سفالی این محوطه به دوره ساسانی و آغاز دوران اسلامی تاریخ‌گذاری شد (عسکری چاوردی، ۱۳۹۲: ۷۵-۱۳). به استناد این پیشینه، سازه‌های معماری سطح الارضی موجود در سطح محوطه، توپوگرافی و موقعیت جغرافیایی آن در مسیر تجاری اردشیرخوره باستان به خلیج فارس این محوطه برای پژوهش متمرکز در شبکه باستان‌شناسی دو دشت لامرد و مهر انتخاب شد (شکل ۲).



شکل ۲. موقعیت محوطه گلرخ به شماره ۱۷۰ (مربع ۷۵-۵۱) در نقشه پراکنش محوطه‌های باستانی دشت لامرد، مهر و چاه‌ورز (عسکری چاوردی و آذرنوش، ۱۳۸۳).

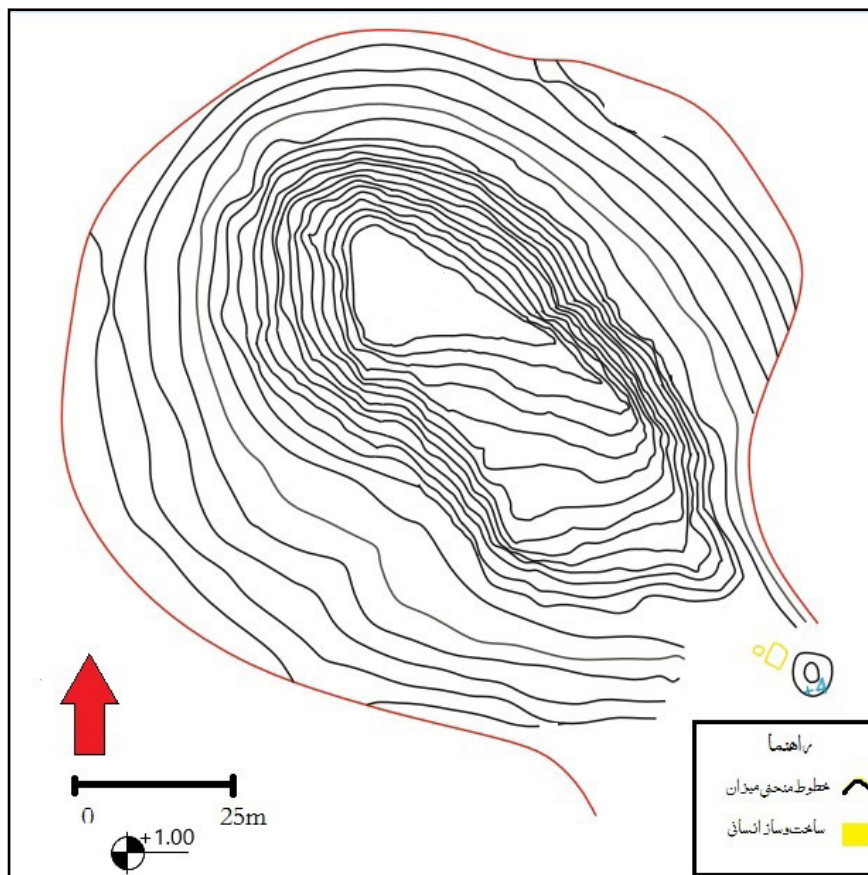
با انتخاب محوطه گلرخ و تمرکز بر شناخت سفال ساسانی این محوطه تلاش شد از روش نمونه‌برداری روشمند استفاده شود تا بتوان با دقت بیشتری شاخصه‌های ظروف سفالی دوره ساسانی این محوطه را نظیر: شکل، ساخت، پرداخت و تزئین شناسایی کرد. شناخت متغیرهای اصلی و فرعی گونه‌های سفالی این دوره در محوطه قلعه گلرخ اهمیت دارد؛ زیرا مطالعات سفال دوره ساسانی به‌رغم تعدد مراکز سکونت‌ی این دوره در دشت‌های پس‌کرانه‌ای خلیج فارس کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بررسی‌های باستان‌شناسی پیشین در این منطقه و مناطق هم‌جوار گسترده بوده است و کمتر به شکل متمرکز^۲ و روشمند سفال‌های این دوره مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. تعداد معدودی از محوطه‌های دوره ساسانی به‌روش متمرکز و روشمند مطالعه شده است و بیشتر شناخت سفال این دوره در چارچوب کلی توالی فرهنگی مناطق جغرافیایی انجام شده است.^۳

از مهم‌ترین محوطه‌های با سفال ساسانی در منطقه جنوب می‌توان به قصر ابونصر (Whitcomb, 1985)، فیروزآباد (Huff & Gignoux, 1975)، تپه یحیی (Karlovsky, 1970)، ملیان (Alden & Balcer, 1978: 79)، بیشاپور (امیری، ۱۳۹۱)، حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994)، عمان (Kervran, 2004)، کوش در رأس‌الخیمه (Kennet, 2004)، سیراف (Whitehouse, 1972)، ریشهر (Whitehouse, 1973) و قشم (Hojabri et al., 2011) اشاره کرد. مطالعه سفال ساسانی محوطه‌های منطقه جنوب ایران ساسانی (منطقه ۷) نشان می‌دهد؛ علاوه بر گونه‌های شاخص، سبک‌های محلی در بسیاری از محوطه‌ها وجود دارد. «درک کنت» سفال لعاب‌دار قلیایی فیروزه‌ای، خمره‌ها و ظروف ذخیره‌سازی بزرگ با نقش‌کنده، سفال جیلینگی ساسانی، سفال منقوش نارنجی و کوزه‌های اژدری از نمونه سفال‌های ساسانی منطقه جنوب ایران ساسانی معرفی کرده است (Kennet, 2002: 155-159).

موقعیت و توپوگرافی محوطه

محوطه گلرخ در شهر چاه‌ورز در شهرستان لامرد در جنوب استان فارس واقع شده است. در امتداد شهر چاه‌ورز دو دشت علامرودشت در غرب و دشت بیرم در شرق در راستای شمال غربی- جنوب شرقی قرار دارند (شکل ۲؛ شبکه ۵۱-۷۵، شماره ۱۷۰). این دشت دارای وسعت تقریبی ۱۷۰۰ کیلومترمربع است. مرتفع‌ترین نقطه با ارتفاع ۱۸۱۹ متر قله مرتفع کوهستانی چاه‌ورز و پست‌ترین نقطه دشت علامرودشت با ۳۶۴ متر از سطح دریا است. به‌طور میانگین ارتفاع دشت شمالی شهرستان لامرد در مرکز دشت ۵۰۰ متر از سطح دریا است (کریمی، ۱۳۹۱). قلعه معروف به «گلرخ» در فاصله ۵۰۰ متری جنوب غربی شهر چاه‌ورز روی تپه‌ای طبیعی به ارتفاع ۳۰ متر بنا شده است. این محوطه در مختصات جغرافیایی در عرض جغرافیایی ۲۷ درجه و ۱۵،۲۵ دقیقه و ۴۳ ثانیه و طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۲۵،۵۲ دقیقه و ۴۳ ثانیه و ارتفاع ۵۳۵ متر از سطح دریا قرار دارد. ساختار توپوگرافی سطح این محوطه متشکل از سازه‌های معماری شرقی- غربی به طول ۱۱۲ و در امتداد غربی محوطه به طول ۳۸

متر است (شکل ۳). بخشی از آثار معماری سازه‌های قلوه‌سنگی همراه با ملات گچ در حاشیه شمالی و جنوبی و در بخش شرقی محوطه به ضخامت ۱۲۰ سانتی‌متر و حداکثر به ارتفاع ۵۳ سانتی‌متر به جای مانده است. بخشی از باروهای دفاعی این محوطه در سطح محوطه نمایان است. قلعه در قسمت جنوبی دارای برجی مرتفع بوده که امروزه ۴ متر از ویرانه‌های آن باقی مانده است. این محوطه در حقیقت قلعه‌ای متشکل از برج و باروهای دفاعی با مصالح ساخت قلوه‌سنگ و ملات گچ، از نوع قلعه‌های نامنظم بوده است. سازه‌های معماری این بنا مشابه با سازه‌های معماری ساسانی قلعه دختر و کاخ اردشیر در فیروزآباد است (Huff, 1993: 45-63). از محوطه، یک سکه ضرب سال ۶۱۳ م.، خسرو دوم (خسرو پرویز)، ضرب دارابگرد، یک لوحه گچی، پایه سفالی و هم یک پایه آتشدان از نزدیک محوطه قلعه گلرخ در چاه‌ورز یافت شده است (عسکری چاوردی، ۱۳۹۲: ۱۱۶، ۱۲۵، ۲۲۵).



شکل ۳. توپوگرافی محوطه قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

قلعه گلرخ یکی از ۴۴ محوطه استقرار دوره ساسانی در شهرستان‌های لامرد و مهر است (عسکری چاوردی، ۱۳۸۳: ۱۲) که از لحاظ جغرافیای در سده‌های میانه و متأخر اسلامی در قلمرو لارستان قرار داشته است. در دوره ساسانی حوزه وسیع لارستان تا بندر سیراف در ساحل خلیج فارس امتداد داشته و بخشی از کوره اردشیر محسوب می‌شده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۰۰-۹۹؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۲۸).

توصیف، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی ظروف

در مجموع در بررسی محوطه، تعداد ۹,۳۶۴ تگه سفال نمونه‌برداری شد که تحلیل‌های آماری این مجموعه نشان‌داد تعداد ۹,۲۰۹ تگه ظرف با استفاده از فن چرخ ساخته شده‌اند؛ ۵۴٪ از پخت کافی برخوردار و از لحاظ ضخامت درصد بیشتری با کیفیت ساخت متوسط و دارای بافتی متخلخل هستند. بیشتر سفال‌های دارای پوشش گلی (۳۸/۵٪)، و یا دارای پوششی متفاوت از رنگ خمیره هستند و در عموم موارد ظروف دارای آمیزه کانی (۸۵/۴٪) ریز تا درشت هستند.

از نظر شکل، ظروف متنوعی در بین سفال‌ها قابل‌شناسایی است، که شامل: کوزه‌ها (۶۸/۸۵٪)، کاسه‌ها (۲۵/۹۷٪)، خمره‌ها (۱/۷۳٪)، دیگچه‌ها (۲/۵۹٪)، و بطری‌ها (۰/۸۶٪) است. شکل برخی از سفال‌ها به دلیل کوچک بودن قطعه قابل تشخیص نیست. کوزه‌ها متداول‌ترین شکل سفال‌ها را در بین نمونه‌های جمع‌آوری شده تشکیل می‌دهند.

طیف رنگ ظروف سفالی در این مجموعه به ترتیب درصد فراوانی: سفال

سیاه (۳۹/۷٪)، خاکستری تیره (۳۷۲۱ قطعه)، خاکستری تیره (۱۰/۳٪)، (۹۷۰ قطعه)، خاکستری (۱۰/۳٪)، (۹۶۸ قطعه)، نخودی (۹/۹٪)، (۹۲۶ قطعه)، قهوه‌ای تیره (۷/۲٪)، (۶۷۴ قطعه)، قهوه‌ای (۶/۹٪)، (۶۳۹ قطعه)، خاکستری روشن (۲/۹٪)، (۲۷۲ قطعه)، قهوه‌ای سوخته (۲/۹٪)، (۲۶۹ قطعه)، قهوه‌ای روشن (۲/۹٪)، (۲۶۸ قطعه)، قرمز تیره (۱/۹٪)، (۱۶۹ قطعه)، قرمز روشن (۱/۳٪)، (۱۲۵ قطعه)، نارنجی روشن (۱/۲٪)، (۱۱۷ قطعه)، قرمز (۱/۲٪)، (۱۱۵ قطعه)، نارنجی (۰/۹٪)، (۸۳ قطعه)، و نارنجی تیره (۰/۵٪)، (۴۸ قطعه) رنگ تشکیل می‌دهد. در بین سفال‌های دارای پوشش گلی، بیشترین درصد فراوانی را سفال با پوشش سیاه از مجموعه پوشش‌ها در این ظروف را در برمی‌گیرد. سفال با پوشش گلی قهوه‌ای و خاکستری در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. اغلب رنگ پوشش ظروف با رنگ خمیره متفاوت است و براساس شکل متنوع ظروف، رنگ پوشش انتخاب می‌شده است.

ماده چسباننده یا آمیزه ۸۵/۴٪ سفال‌ها از نوع کانی، ۱۴/۵٪ از نوع ترکیبی و در ۹ مورد تگه سفال به‌عنوان آمیزه استفاده شده است. تنوع زیادی بین اندازه‌های کانی‌ها وجود داشت. از مجموع ۹,۳۶۴ قطعه سفال، ۹۸/۵٪ چرخ‌ساز هستند. از نظر کیفیت ساخت، ۵/۷٪ ظریف، ۴۵/۵٪ متوسط و ۴۸/۷٪ خشن هستند.

براساس نوع پوشش و پرداخت انجام شده در سطح بیرونی و درونی ظروف در مجموعه سفال‌های نمونه‌برداری شده از محوطه گلرخ به ترتیب، این ظروف در گروه‌های زیر قابل طبقه‌بندی هستند.

۱. ظروف سفالی لعاب‌دار: این نمونه ظرف اگرچه تنها ۰/۲٪ از ظروف محوطه

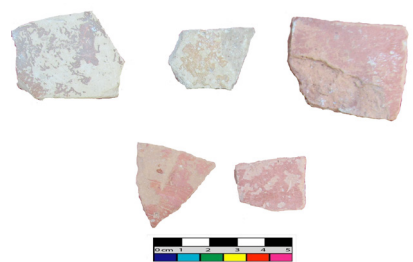
را تشکیل می‌دهد، اما به دلیل ارزش آن‌ها در شناخت گاه‌نگاری نسبی محوطه دارای اهمیت هستند. سفال‌های لعاب‌دار قلعه گلرخ را می‌توان به دو گروه سفال لعاب‌دار قلیایی و سفال لعاب‌پاشیده تقسیم کرد. در گروه ظروف سفالی لعاب‌دار یک کف با فن لعاب‌پاشیده از دوره اوایل اسلامی به دست آمده است. لعاب سفال سبز و لکه‌های سیاه در قسمت داخلی، در قسمت بیرونی دارای لعاب سبز و خمیره

نخودی (2.5Y 8/4 Muncell) است. در گروه ظروف با لعاب قلیایی فیروزه‌ای (شکل ۴)، نمونه‌های این طبقه دارای لعاب قلیایی تک‌رنگی است که رنگ آن در طیف سبز، آبی و فیروزه‌ای قرار می‌گیرد. جنس آن‌ها متغیر با مقادیر زیاد کوارتز و برخی نمونه‌ها بسیار شبیه خمیره شیشه هستند. رنگ خمیره در اغلب موارد زرد کم‌رنگ و نخودی (Muncell 2.5 Y 6/8-4/8) و آمیزه آن‌ها کانی ریز است و در مواردی لعاب بر سطح ظروف پوسته‌پوسته شده است. این نمونه‌ها شامل دو لبه، تعداد ۱۹ بدنه و یک عدد کف ظرف است.



▲ شکل ۴. سفال لعاب‌دار قلیایی (نگارندگان، ۱۳۹۴).

۲- ظروف با پوشش گلی غلیظ قرمز و قهوه‌ای: این گروه در طیف رنگی قهوه‌ای-قرمز و خاکستری روشن با پوشش گلی غلیظ قهوه‌ای و قرمز با سطحی صاف قرار دارند (شکل ۵). تعداد این نمونه ۲۶ تکه و تمامی مربوط به بدنه ظروف است که شناخت شکل آن‌ها ممکن نیست. در تمامی موارد پخت کافی، ماده چسباننده آن‌ها کانی ریز و ضخامت بدنه بین ۴-۶ میلی‌متر است.



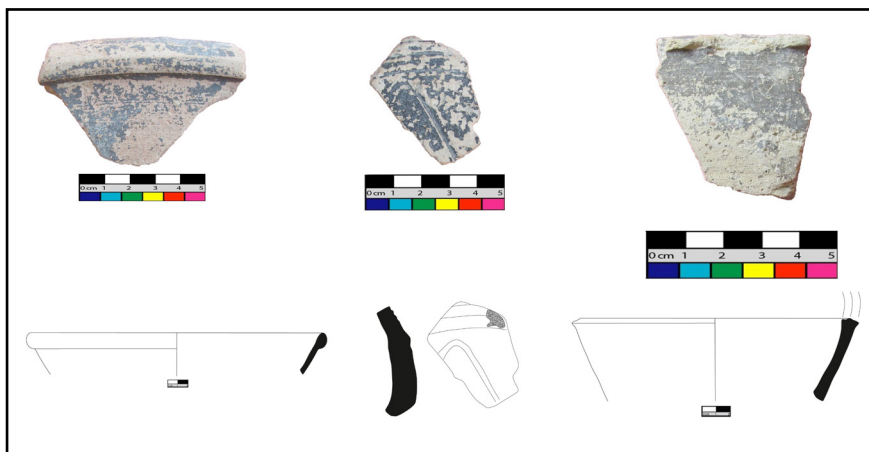
▲ شکل ۵. سفال با پوشش گلی غلیظ قرمز و قهوه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۴).

۳- ظروف قرمز رنگ صیقلی: تنها یک قطعه از این نوع سفال به دست آمده است. این سفال بدنه‌ای ظریف، با خمیره ورز آمده، به رنگ قرمز آجری دارد که پوششی به رنگ قرمز به آن داده شده و صیقلی است. سطح آن صاف، ماده چسباننده آن‌ها کانی بسیار ریز و فاقد هر نوع تخلخل است (شکل ۶). منشأ این سفال گجرات هند است و در بخش‌های مرکزی و شمالی هند یافت شده است. این سفال ابتدا در بارودا شناسایی و به سده اول میلادی تاریخ‌گذاری شده و در سایر مناطق بین سده‌های سوم تا پنجم میلادی، و در مواردی تا اواخر سده ششم میلادی تاریخ‌گذاری شده است (کنت، ۱۳۹۳: ۱۸۳-۱۸۱؛ Whitehouse & Williamson, 1973: 38-39).



▲ شکل ۶. سفال قرمز هندی (نگارندگان، ۱۳۹۴).

۴- ظروف با پوشش گلی غلیظ سیاه‌رنگ: این طبقه در طیف نخودی-نارنجی و خاکستری روشن با تعدادی سوراخ هوا، حباب کنده، در خمیره و سطح همراه است. پوشش گلی سیاه‌رنگ به‌کار رفته در این نوع ظروف در تمامی موارد پوشش از نوع غلیظ است و در مواردی هر دو سطح بیرونی و درونی ظرف پوشش داده شده است. اغلب نمونه‌های این گروه دارای نقش کنده هستند و بدنه ظروف دارای ضخامتی بین ۴-۸ میلی‌متر است (شکل ۷).



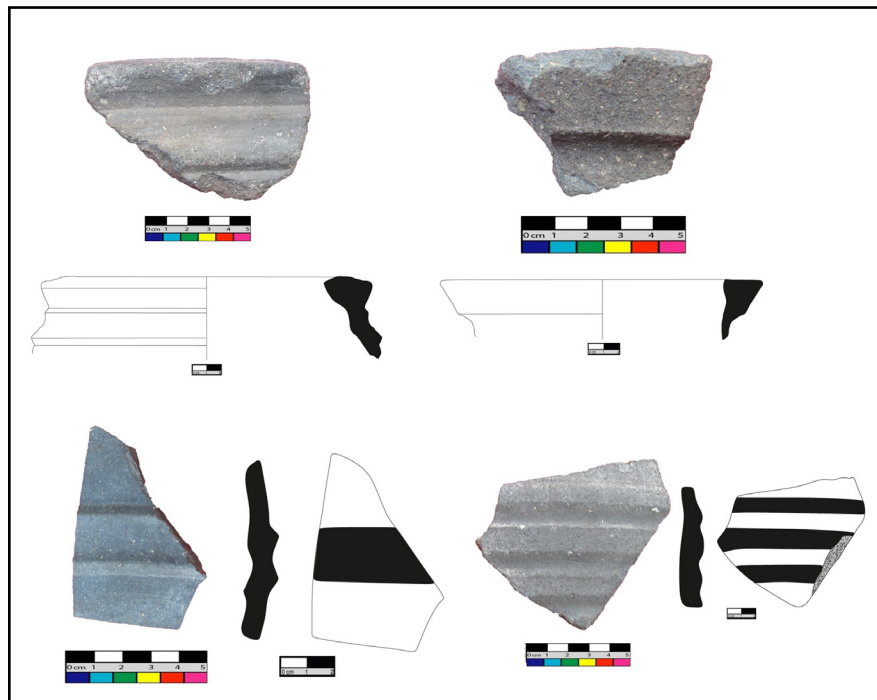
▲ شکل ۷. ظروف با پوشش گلی سیاه‌رنگ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

۵- ظروف بزرگ ذخیره آذوقه با نقوش کنده: این ظروف عمدتاً بدنه‌ای سنگین با پخت کافی و مقاوم دارند. سطح این ظروف دارای پوشش گلی غلیظ است و دیواره آن‌ها بیش از ۱۰ میلی متر ضخامت دارند و سطح بیرونی آن‌ها با نقش کنده موج تزئین شده است (شکل ۸). سه قطعه از سفال‌های قلعه گلرخ دارای این ویژگی‌ها هستند.



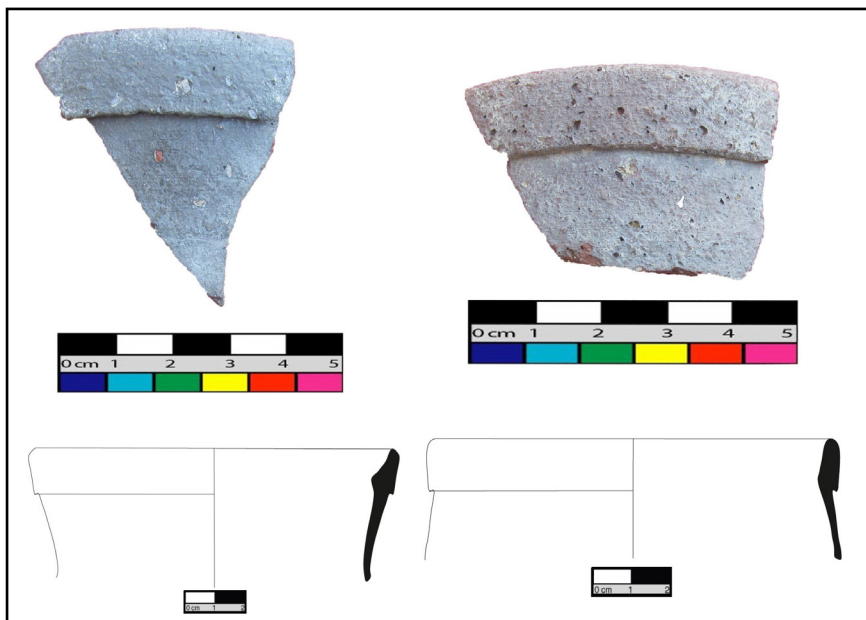
► شکل ۸. ظروف بزرگ ذخیره آذوقه با نقوش کنده (نگارندگان، ۱۳۹۴).

۶- ظروف سیاه خشن: این گروه از ظروف دارای کیفیت خشن با آمیزه کانی درشت و در مواردی متوسط به رنگ سیاه، پخت در دمای بالا و در برخی موارد سفال‌های این گروه در حرارت پایین پخته شده است. سطح بیرونی آن‌ها با شیارهای پهن یا نوارهای برجسته با حدود یک سانتی متر پهنا تزئین یافته است (شکل ۹). این گروه سفالی ۲۶/۹٪ از مجموعه سفال‌های محوطه را شامل می‌شود.



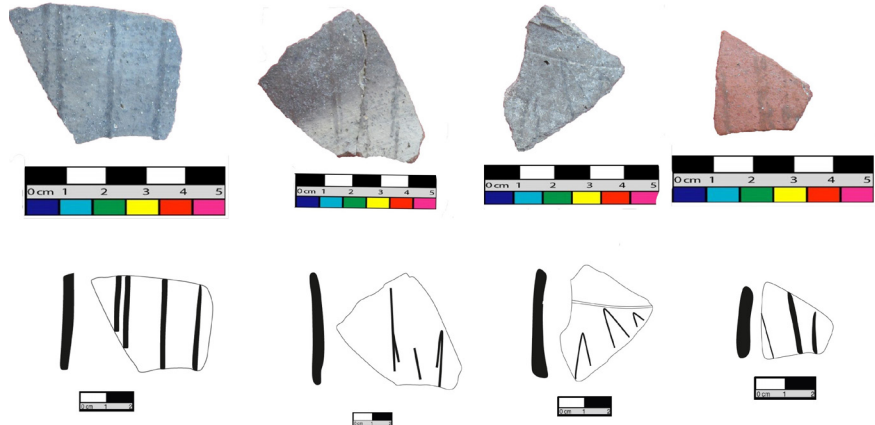
► شکل ۹. ظروف سفالی سیاه خشن (نگارندگان، ۱۳۹۴).

۷- سفال جلینگی: تعداد ۶۲۶ تگه ظرف مربوط به این گروه سفالی شناسایی شد. این ظروف در حرارت بالا پخته شده است. سطح سفال معمولاً تیره‌تر از رنگ خمیره است و از قرمز کم‌رنگ تا مایل به قرمز و خاکستری تیره متفاوت است. سطح خارجی خشن است و تعدادی سوراخ هوا، منفذ خالی حباب در بدنه ظرف وجود دارد. برخی از نمونه‌ها دارای پوشش گلی هستند. سفال‌ها ضخامتی بین ۴-۶ یا ۶-۷ میلی‌متر دارند. در این نوع ظروف با زدن تگه سفال‌ها به یکدیگر صدایی شبیه صدای جیلینگ فلزات ایجاد می‌شود. کوزه با لبه سه‌گوش بیشترین گونه این طبقه است (شکل ۱۰). این نوع سفال در حوزه جنوب تحت عنوان «سفال جیلینگ» معرفی شده و از نظر ویژگی‌های فنی، ساختاری و مراحل پخت با سفال جلینگی نوع اشکانی متفاوت است (Kennet, 2002: 157-158).



شکل ۱۰. ظروف جلینگی ساسانی (نگارندگان، ۱۳۹۴).

۸- ظروف سیاه و قرمز داغدار صیقلی: این گروه در طیف رنگی سیاه تا خاکستری و قرمز مایل به قهوه‌ای قرار دارد. در مواردی پخت نامناسب بوده و در همه ۴۲ قطعه بیرونی داغ‌دار شده، صیقلی و براق است. ضخامت آن‌ها بین ۳-۶ میلی‌متر و ماده چسباننده این گروه سفالی، کانی است (شکل ۱۱). تمامی تگه ظروف نمونه‌برداری شده از این نوع ظرف متعلق به بدنه ظرف است و به همین دلیل شناخت شکل ظرف تا حدودی ناممکن ساخته است. این گروه سفالی متفاوت از نوع داغ‌دار سیستان است که در آن هر دو سطح داخلی و خارجی داغ‌دار شده است. این‌گونه سفالی بیشتر مشابه سفال داغ‌دار سوهار است که از قرن اول میلادی یافت شده است (کنت، ۱۳۹۲: ۱۸۴).



► شکل ۱۱. سفال سیاه و قرمز داغ‌دار (نگارندگان، ۱۳۹۴).

گونه‌شناسی شکل ظروف

مجموع سفال‌های نمونه برداری شده محوطه گلرخ براساس شکل به ۵ گروه، کوزه، کاسه، دیگچه، خمره و بطری (?) قابل طبقه‌بندی هستند:

۱. **کوزه‌ها شامل دو گروه هستند:** الف) کوزه‌های گردن‌دار (۱۳۸ مورد) با فرم لبه تخت، تخت متمایل به بیرون، تخت زاویه‌دار، برگشته، گرد، سه‌گوش؛ ب) کوزه‌های بدون گردن (۲۱ مورد) با فرم لبه تخت، تخت متمایل به بیرون، تخت زاویه‌دار، برگشته، گرد، گرد متمایل به بیرون، سه‌گوش، خمیده، ناودانی، چهارگوش و شیاردار (شکل ۱۲). فرم بدنه کوزه‌ها قابل تشخیص نیست؛ چراکه تنها قسمتی از لبه به همراه گردن ظرف را در اختیار داریم. در مواردی کوزه‌ها در قسمت پایین لبه دارای تزئین‌کننده و خطوط موازی هستند.



► شکل ۱۲. فرم قطعات کوزه گردن‌دار و بدون‌گردن محوطه قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

۲. **کاسه‌ها:** در مجموع ۶۰ قطعه سفال با فرم کاسه شناسایی شد که عبارتند از: فرم لبه تخت، تخت متمایل به بیرون، تخت زاویه‌دار، گرد، گرد متمایل به بیرون، سه‌گوش، خمیده، ناودانی، شیاردار و زاویه‌دار به داخل. تنها در یک مورد در قسمت پایین لبه دارای تزئین فشاری بود (شکل ۱۳).

۳. **دیگچه:** در مجموع شش قطعه سفال با فرم دیگچه شناسایی شد که فرم لبه دیگچه‌های سه‌گوش، شیاردار، تخت زاویه‌دار، گرد، برگشته است (شکل ۱۴).

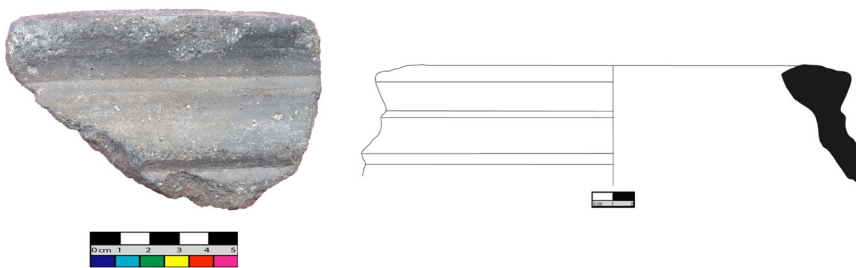
۴. **خمره:** قطعه سفال با فرم خمره‌های بزرگ با فرم لبه کوهان‌دار، سه‌گوش و زاویه‌دار شناسایی شد. در سه مورد در قسمت پایین لبه دارای تزئین‌کننده مواج هستند و در یک مورد هم خمره دهانه بسته است (شکل ۱۵).



شکل ۱۳. فرم قطعات کاسه محوطه قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).



شکل ۱۴. دیگچه محوطه قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

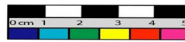


شکل ۱۵. خمیره محوطه قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

۵. بطری (?): دو قطعه سفال با فرم لبه گرد و سه گوش شناسایی شد (شکل ۱۶). در بین قطعات سفالی، ۱۴ قطعه مربوط به پایه‌های سفالی به دست آمد (شکل ۱۷) که در این بخش ذکر می‌شود، این پایه‌های سفالی در گروه پایه‌های سفالی دوره ساسانی طبقه بندی می‌شود (ویلیامسون، ۱۳۵۱: ۱۴۷-۱۴۸؛ عسکری چاوردی، ۱۳۹۲: ۸۶).



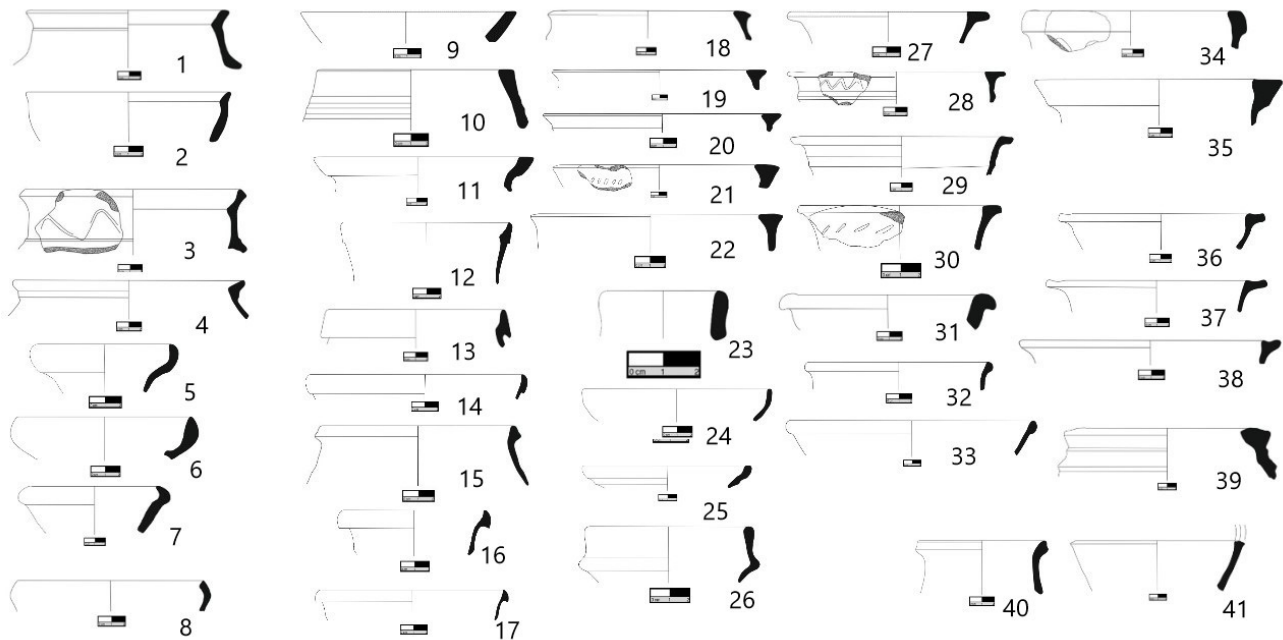
شکل ۱۶. بطری (?). محوطه قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).



► شکل ۱۷. پایه سفالی محوطه قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

گونه‌شناسی شکل لبه ظروف

در طبقه‌بندی براساس فرم لبه، قطعات لبه را در ۱۳ گروه جداگانه قابل طبقه‌بندی است. ۱. لبه‌های برگشته، ۲. لبه‌های گرد، ۳. لبه‌های گرد متمایل به بیرون، ۴. لبه‌های سه‌گوش، ۵. لبه‌های تخت، ۶. لبه‌های تخت متمایل به بیرون، ۷. لبه‌های تخت زاویه‌دار، ۸. لبه‌های چهارگوش، ۹. لبه‌های خمیده، ۱۰. لبه‌های ناودانی، ۱۱. لبه‌های شیاردار، ۱۲. لبه زاویه‌دار به داخل، ۱۳. لبه کوهان‌دار. بیشترین تعداد لبه‌ها شامل لبه‌های سه‌گوش (۱۰۶ قطعه) و گرد (۳۳ قطعه) است (شکل ۱۸).



▲ شکل ۱۸. انواع گونه‌های لبه (ساسانی) از محوطه قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

گونه‌شناسی شکل کف ظروف

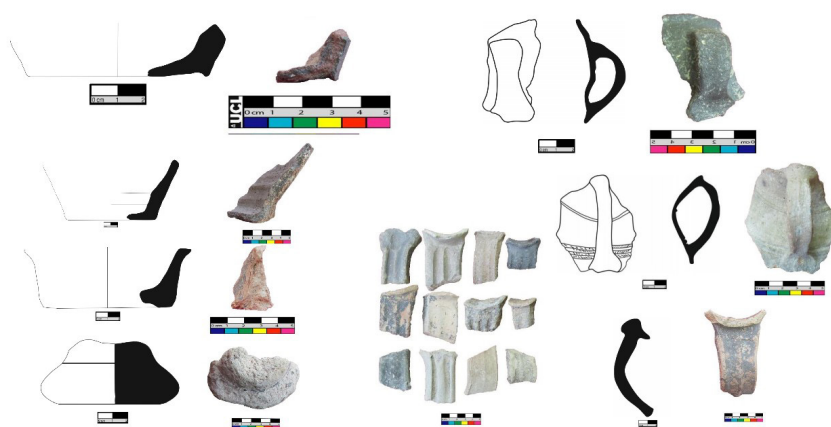
کف‌ها به سه گروه قابل تفکیک هستند: ۱. کف تخت که بیشترین تعداد را دارند

۵۷) قطعه)، ۲. کف دکمه‌ای (۵ قطعه) که مربوط به پایه‌های سفالی است، ۳. کف دوره گذار (۲ قطعه)، (شکل ۱۹). قطر کف‌ها متفاوت هست. کف‌ها قطرشان بین ۵ تا ۲۲ سانتی‌متر است.

گونه‌شناسی دسته‌ظروف

دسته‌ها شامل دسته‌حلقوی است که شامل دو گروه هستند.

۱. دسته‌های حلقوی ساده (۴۴ قطعه) ۲. دسته‌های حلقوی دارای نوعی تزئین موسوم به انگشتی (۶۷ قطعه)، (شکل ۱۹).



شکل ۱۹. انواع گونه‌های کف و دسته‌محوطه قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

گونه‌شناسی کیفیت ساخت ظروف

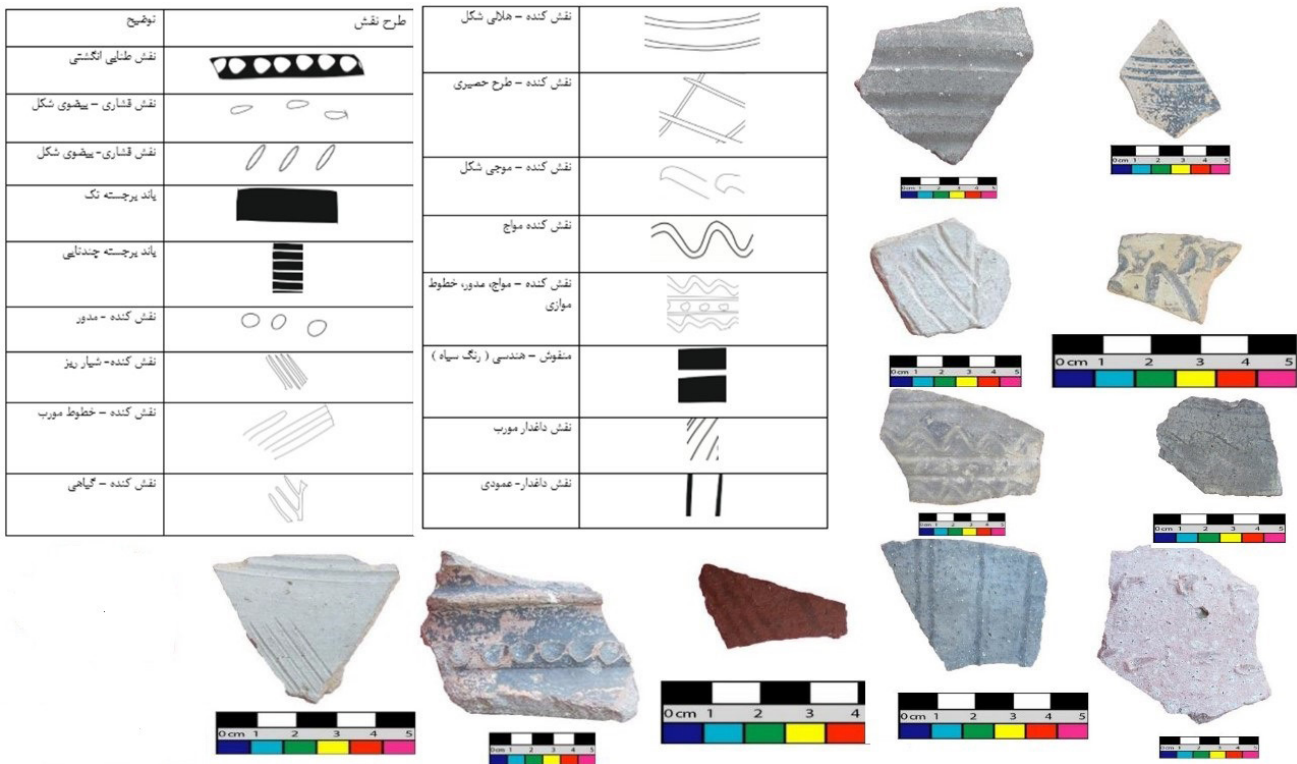
از نظر کیفیت ساخت، می‌توان ظروف را به سه گروه تقسیم کرد که در این تقسیم‌بندی به اندازه ترکیبات و میزان تخلخل توجه شده است؛ ۱. ظریف، ۲. متوسط، ۳. خشن. ظروف با ساخت ظریف شامل: کوزه‌ها، کاسه‌ها و بطری‌ها را شامل می‌شوند؛ ظروف با ساخت متوسط غیر از خمره‌ها سایر شکل‌ها را شامل است و ظروف با کیفیت خشن نیز شامل: کوزه‌ها، کاسه‌ها، دیگچه‌ها و خمره‌ها است.

گونه‌شناسی تزئین ظروف

بر اساس تزئین ظروف محوطه، ۳۶۵ قطعه سفال دارای تزئین را می‌توان به هفت گروه جداگانه تقسیم کرد؛ ۱. سفال با تزئین کنده (۳۳/۱٪)، ۲. سفال با تزئین برجسته (۳۰/۱٪)، ۳. سفال با تزئین فشاری (۱۶/۸٪)، ۴. سفال با تزئین داغ‌دار (۱۱/۵٪)، ۵. سفال با تزئین افزوده (۵/۸٪)، ۶. سفال با تزئین شیاردار (۲/۱٪)، ۷. سفال با تزئین منقوش (۰/۶٪)، (شکل ۲۰).










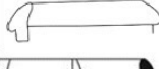
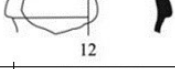









مقایسه گونه‌شناختی و گاه‌نگاری

ظروف قلعه گلرخ از لحاظ شکل ظرف، نوع لبه و نقش تزئینی قابل مقایسه با دیگر محوطه‌های ساسانی هستند، شکل‌های ۲۱-۲۳ برخی از نمونه‌های مقایسه شده را نشان می‌دهد. بر اساس فرم لبه کوزه‌ها به ترتیب تعداد تشابه قابل مقایسه با سوهار



▲ شکل ۲۰. انواع تزئین در سفال‌های محوطه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

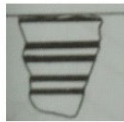


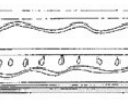














(Kervran, 2004: 279-284)، حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994: 210)، قصر ابونصر (Whitcomb, 1985: 127)، سیراف (Whitehou, 1994: 173)، قشم (Hojabri et al., 2011: 109)، بیشاپور (امیری، ۱۳۹۱: ۲۳)، رأس‌الخیمه (Kennet, 2004: 129)، دارابگرد (Karimian & Seyedein, 2010: Fig. 4) و کاریان (عسکری‌چاوردی و بارباراکیم، ۱۳۹۱: ۴۰۶) هستند. از بین فرم‌های لبه، فرم لبه سه‌گوش بیشترین تعداد تشابه در بین محوطه‌ها است. از شاخص‌ترین اشکال کاسه‌های قلعه گلرخ، کاسه با لبه شیاردار، لبه گرد و برگشته می‌باشند. مشابه این نوع لبه‌ها از حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994: 209-211)، سوهار (Kervran, 2004: 283-284)، رأس‌الخیمه (Kennet, 2004: 129)، بیشاپور (امیری، ۱۳۹۱: ۲۳)، قشم (Hojabri et al., 2011: 109) و قصر ابونصر (Whitcomb, 1985: 127) گزارش شده‌اند. نمونه دیگر کاسه با لبه زاویه‌دار به داخل هستند که در حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994: 194) و قصر ابونصر (Whitcomb, 1985: 139) گزارش شده است. در مورد سایر ظروف به دلیل تعداد کم نمی‌توان مقایسه مناسبی انجام داد. سه قطعه از چهار قطعه به دست آمده از خمره‌ها از نوع خمره‌های بزرگ آذوقه با نقش کنده موج با پوشش گلی سیاه غلیظ مشابه این نوع خمره‌ها از قصر ابونصر (Whitcomb, 1985: 129) و رأس‌الخیمه (Kennet, 2004) به دست آمده است. تزئینات مختلف استفاده شده در سفال‌های قلعه گلرخ نیز با محوطه‌های متعددی قابل مقایسه است. مشابه تزئین کنده موج سفال‌های قلعه گلرخ، در: سوهار (Kervran, 2004: 279)، رأس‌الخیمه (Kennet, 2004: 126)، حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994: 205)، قصر ابونصر (Whitcomb, 1985: 129)، سیراف (Whitehou, 1994: 191)، بیشاپور

منبع	تاریخ نمونه قابل مقایسه	نمونه قابل مقایسه	قابل مقایسه	سفال قلعه گلرخ
Kervran,2004,274,Fig9	اواخر اشکانی - اوایل ساسانی		سوهار	
Whitcomb,1985,139,Fig51	ساسانی		قصر ابونصر	
Kervran,2004,284,Fig14	اواخر ساسانی		سوهار	
Azarnoush,1994,210,Fig187	اواسط ساسانی		حاجی آباد	
Karimian and Seyedein .2010,Fig4	ساسانی		دارابگرد	
Tampoe,1989,173,Fig6 et al HojabriNobari and .109,Fig8 HojabriNobari and et al,109,Fig8	ساسانی - اسلامی ساسانی	 	سیراف قشم	
Kennet,2004,129,F 35	ساسانی		راس الخیمه	
امیری،۱۳۹۱: ۲۳ تصویر ۱۴	ساسانی - اسلامی		بیشاپور	
Tampoe,1989,191,Fig 15	ساسانی - اسلامی		سیراف	
Whitcomb,1985,127,Fig 46	ساسانی		قصر ابونصر	
Kervran,2004,284,Fig14	اواخر ساسانی		سوهار	
Kennet,2004,131,Fig37	ساسانی		راس الخیمه	

▲ شکل ۲۱. مقایسه گونه شناختی سفال ساسانی قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

منبع	تاریخ نمونه قابل مقایسه	نمونه قابل مقایسه	قابل مقایسه	سفال قلعه گلرخ
Kervran,2004,284,Fig14			سوهار	
Kennet,2004,134,F4			راس الخیمه	
امیری و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۳ تصویر ۱۴			بیشاپور	
Azarnoush,1994,194,Fig171	اواسط ساسانی		حاجی آباد	
Kervran,2004,284,Fig14	اواخر ساسانی		سوهار	
Tampoe,1989,251,Fig45	ساسانی-اسلامی		سیراف	
Whitcomb,1985,139,Fig51	ساسانی		قصر ابو نصر	
Azarnoush,1994,198,Fig175	اواسط ساسانی		حاجی آباد	
HojabriNobari and et al ,103,Fig5	اشکانی-ساسانی		قشم	
Tampoe,1989,253,Fig46	اسلامی ساسانی		سیراف	
Whitcomb,1985,153,Fig57	ساسانی		قصر ابونصر	
Karimian and Seyedein ,2010,Fig4	ساسانی		دارابگرد	
HojabriNobari and et al ,109,Fig8	ساسانی		قشم	
Azarnoush,1994,202,Fig180	اواسط ساسانی		حاجی آباد	

▲ شکل ۲۲. مقایسه گونه‌شناسی سفال ساسانی قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

منبع	تاریخ نمونه قابل مقایسه	نمونه قابل مقایسه	قابل مقایسه	سفال قلعه گلرخ
Kervran,2004,274,Fig9 سرفراز و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۱۴، تصه ۴-۱۲۲	ساسانی ساسانی	 	سوهار بیشاپور	 
Kervran,2004,284,Fig14 Azarnoush,1994,205,Fig1 83	اواخر ساسانی اواسط ساسانی	  183d	سوهار حاجی آباد	 
Kennet,2004,126,F31	ساسانی		راس الخیمه	
Azarnoush,1994,212,Fig1 89 سرفراز و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۱۴، تصویر ۴-۱۲۲ عسکری چاوردی و کائیم، ۱۳۹۱: ۴۱۲، تصه ۳۴	اواسط ساسانی ساسانی ساسانی	 n   6	حاجی آباد بیشاپور کاریان	  
Whitcomb,1985,121,Fig 43 Karimian and Seyedein,2010,Fig5a	ساسانی - اسلامی اوایل اسلامی	  2cm	قصر ابونصر دارایگرد	 
عسکری چاوردی، ۱۳۹۲: ۹۴	ساسانی		تمب طلا	

▲ شکل ۲۳. مقایسه گونه شناختی سفال ساسانی قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

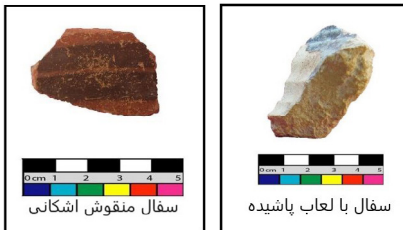
(امیری، ۱۳۹۱: ۲۳) و کاریان (عسکری چاوردی و بارباراکیم، ۱۳۹۱) دیده شده است. تزئین برجسته بیشترین نمونه مشابه را در سوهار (Kervran, 2004: 277)، حاجی آباد (Azarnoush, 1994: 213)، بیشاپور (امیری، ۱۳۹۱: ۲۳) و قشم (Hojabri et al., 2011: 109) دارد. مشابه تزئین طنابی قلعه گلرخ نیز در سوهار (Kervran, 2004: 284)، سیراف (Whitehou, 1994: 257)، قشم (Hojabri et al., 2011: 107) و کاریان (عسکری چاوردی و بارباراکیم، ۱۳۹۱: ۴۰۶) گزارش شده است و نمونه مشابه نقش کنده خطوط موازی در محوطه‌های سوهار (Kervran, 2004: 284) و سیراف (Whitehou, 1994: 257) گزارش شده است. به طور کلی سفال‌های محوطه قلعه گلرخ بیشترین تشابه سفالی را با سفال‌های محوطه سوهار و حاجی آباد دارند.

بیشترین درصد از سفال‌های بررسی شده در این پژوهش متعلق به دوره ساسانی است و در این مجموعه سفالی، یک قطعه سفال قرمز منقوش (رنگ خمیره 7.5 YR 4/2) شاخص دوره اشکانی به دست آمد، سفال قرمز منقوش در بسیاری از محوطه‌های اشکانی جنوب از جمله: اددور، گور شرم در شارجه امارات، در خط رأس الخیمه و قشم نیز از این گونه سفالی به دست آمده است (خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۲). در آمیزه این نمونه از شن ریز استفاده شده و دارای پوشش قرمز تیره و نقش آن به رنگ سیاه و هندسی است که نباید با سفال نمودر اشتباه گرفته شود؛ هم‌چنین یک کف با فن لعاب پاشیده از دوران اوایل اسلامی به دست آمده است. لعاب سفال سبز و لکه‌های سیاه در قسمت داخلی، در قسمت بیرونی دارای لعاب سبز و خمیره نخودی (2.5Y 8/4 Muncell) است (شکل ۲۴). در مواردی نیز برخی نمونه‌های سفالی در یک بازه زمانی از دوران اشکانی-ساسانی، ساسانی تا اسلامی کاربرد و مورد استفاده بوده است؛ مانند: سفال‌های سیاه خشن، سفال داغ‌دار و سفال‌هایی با پوشش گلی غلیظ قهوه‌ای و نارنجی.

مجموعه سفال‌های مربوط به بازه زمانی اشکانی-ساسانی (شکل ۲۵) محوطه گلرخ از نظر فنی و ساختاری در تمامی موارد قابل مقایسه با سفال اشکانی-ساسانی محوطه سوهار است (Kervran, 2004: 273-274) که در طیف رنگی سیاه و نخودی قرار دارند. مجموعه سفال ساسانی محوطه گلرخ در تداوم نوع اشکانی-ساسانی محوطه است و از نظر: شکل، شیوه ساخت، پوشش، پرداخت و تزئین تفاوت اندکی با مجموعه سفال ساسانی دارند.

نتیجه‌گیری

در نتیجه بررسی و مطالعه ۹,۳۶۴ قطعه سفال با توجه به متغیرهای ذکر شده و با احتساب ضریب خطا (تخریب محوطه و احتمال از بین رفتن بخشی از سفال‌های محوطه قلعه گلرخ) می‌توان گفت، شکل ظروف به دست آمده از قلعه گلرخ بیشتر شامل: سفال‌های معمولی، با کاربرد روزمره شامل: کوزه‌ها، کاسه‌ها، دیگچه و خمه‌ها است که از نظر کیفیت ساخت و تولید متوسط رو به خشن است و به طور کلی ظروبی کاربردی با استفاده روزمره بوده است. هم‌چنین از نظر آماری تعداد اندک خمه‌های بزرگ آذوقه نشان می‌دهد که قلعه گلرخ مرکزی برای ذخیره و انبار مواد



▲ شکل ۲۴. قطعه سفال اسلامی با لعاب پاشیده و سفال منقوش اشکانی (نگارندگان، ۱۳۹۴).



▲ شکل ۲۵. سفال اشکانی-ساسانی محوطه قلعه گلرخ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

جدول ۱. شرح شکل ۱۸ (نگارندگان، ۱۳۹۴).

۱- شماره مربع ۲- نوع ساخت ۳- میزان پخت ۴- رنگ سفال (بیرونی، درونی، خمیره) ۵- شاموت ۶- پرداخت (سطح بیرونی، سطح درونی) ۷- پوشش سطح بیرونی ۸- پوشش سطح درونی ۹- تزئین
۱-۱ k13-۲ چرخ‌ساز ۳- کافی ۴- 7.5Y R -N3 - 7.5Y R -N4 - 2.5Y R4/4 -۵ کانی
۲-۱ N11-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 10 Y R- 7/1 - 10 Y R- 7/1 - 10 Y R- 7/1 -۵ کانی ۶- پوشش گلی رقیق 7.5Y R N4 -۷ پوشش گلی رقیق 7.5Y R N4
۳-۱ G12-۲ چرخ‌ساز ۳ ناکافی ۴- 7.5 Y R -N2 - 7.5 Y R -N4 - 2.5 Y R3/4 -۵ کانی ۸- نقش کنده، موج
۴-۱ K11-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 10 Y R 4/1 - 2.5 Y R 3/6 - 2.5 Y R 5/6 -۵ کانی
۵-۱ J13-۲ چرخ‌ساز ۳ ناکافی ۴- 7.5Y R -N2 - 7.5Y R -N2 - 2.5Y R3/4 -۵ کانی
۶-۱ G10-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 7.5Y R -N2 - 7.5Y R -N2 - 7.5Y R -N2 -۵ کانی ۶- پوشش گلی رقیق ۸- پوشش گلی رقیق
۷-۱ G7-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 10Y R6/4 - 10Y R6/4 - 10Y R6/4 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 2.5Y R -N2.5 -۸ پوشش گلی غلیظ 2.5Y R -N2.5
۸-۱ K11-۲ چرخ‌ساز ۳ ناکافی ۴- 7.5Y R -N3 - 7.5Y R -N4 - 2.5Y R3/2 -۵ کانی
۹-۱ M12-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 10R-4/8 - 10R-4/8 - 10R-4/8 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 7.5Y R -N2 -۷ پوشش گلی غلیظ 7.5Y R -N2
۱۰-۱ H13-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 2.5 Y R- 5/6 - 2.5 Y R- 5/6 - 2.5 Y R- 5/6 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 2.5 Y R -N2.5 -۷ پوشش گلی غلیظ 2.5 Y R- N2.5 -۸ خطوط موازی
۱۱-۱ K10-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 2.5Y R3/4 - 2.5Y R3/4 - 2.5Y R3/4 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 7.5Y R -N2 -۷ پوشش گلی غلیظ 7.5Y R -N2
۱۲-۱ H12-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 7.5 Y R- N4 - 7.5 Y R- N4 - 7.5 Y R- N4 -۵ کانی
۱۳-۱ F8-۲ چرخ‌ساز ۳ ناکافی ۴- 2.5 Y R 5/8 - 2.5 Y R 5/8 - 2.5 Y R 5/8 -۵ کانی ۶- پوشش گلی رقیق 5 Y R - 6/3 - 5 Y R 6/3 -۷ پوشش گلی رقیق 3/1 + 5 Y R - 6/3
۱۴-۱ K9-۲ چرخ‌ساز ۳ ناکافی ۴- 10 Y R- 5/3 - 10 Y R- 5/3 - 7.5 Y R -N4 -۵ کانی
۱۵-۱ I9-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 10 Y R 7/1 - 10 Y R 7/1 - 10 Y R 7/1 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R -N2 -۷ پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R -N2
۱۶-۱ O12-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 10 Y R5/2 - 10 Y R5/1 - 7.5 Y R -N5 -۵ کانی
۱۷-۱ I12-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 2.5 Y R -N7 - 2.5 Y R -N7 - 2.5 Y R -N7 -۵ کانی
۱۸-۱ J7-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 2.5Y R5/8 - 2.5Y R5/8 - 2.5Y R5/8 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R -N2 -۷ پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R -N2
۱۹-۱ D9-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 7.5 Y R -N4 - 7.5 Y R -N4 - 7.5 Y R -N4 -۵ کانی ۶- پوشش گلی رقیق 7.5 Y R -N4 -۷ پوشش گلی رقیق 7.5 Y R -N4 -۸ نقش کنده
۲۰-۱ O11-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 7.5 Y R 6/4 - 7.5 Y R 6/4 - 10 R 5/6 -۵ کانی ۶- پوشش گلی رقیق 7.5 Y R -N2 -۷ پوشش گلی رقیق 7.5 Y R -N2
۲۱-۱ B8-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 7.5 Y R -N4 - 7.5 Y R -N4 - 7.5 Y R -N4 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R -N2 -۷ پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R -N2 -۸ نقش فشاری
۲۲-۱ I9-۲ چرخ‌ساز ۳ ناکافی ۴- 7.5 Y R -N3 - 7.5 Y R -N3 - 7.5 Y R -N3 -۵ کانی
۲۳-۱ F8-۲ چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 2.5Y R -N2.5 - 7.5Y R -N4 - 7.5Y R3/4 -۵ کانی

۲۴-۲F8- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 5 Y R- 4/3 -5 Y R- 4/3 -5 Y R- 4/3 -۵ کانی ۶- پوشش رقیق گلی ۷- پوشش گلی رقیق
۲۵-۲K10- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 7.5 8/4 -7.5 8/4 -7.5 8/4 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 5Y R 3/2 ۷- پوشش گلی غلیظ 5Y R 3/2
۲۶-۲G12- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 7.5Y R -N5 -7.5Y R7/6 -7.5Y R -N4 -۵ کانی ۶- پوشش گلی رقیق - 7.5Y R -N2 ۷- پوشش گلی رقیق 7.5Y R -N2
۲۷-۲G6- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 2.5 Y R3/4 - 7.5 Y R- N2 - 7.5 Y R- N2 -۵ کانی
۲۸-۲F8- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 7.5 Y R- N4-7.5 Y R- N4 -7.5 Y R- N4 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 2.5 Y R- N2.5 ۷- پوشش گلی غلیظ 2.5 Y R- N2.5 ۸- نقش کنده
۲۹-۲K13- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 7.5 Y R3/2 -7.5 Y R3/2 -7.5 Y R3/2 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R- N4 ۷- پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R- N4
۳۰-۲E12- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 7.5 Y R -N5 - 7.5 Y R -N5 - 7.5 Y R -N5 -۵ کانی ۶- پوشش گلی رقیق 7.5 Y R- N4 ۷- پوشش گلی رقیق 7.5 Y R- N4 ۸- نقش کنده
۳۱-۲G8- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 7.5Y R8/6 -10Y R8/3 -10Y R8/3 -۵ کانی
۳۲-۲J8- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 5Y R7/6 -5Y R7/6 -5Y R7/6 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 7.5Y R -N4 ۷- پوشش گلی غلیظ 7.5Y R -N4
۳۳-۲H13- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 5Y R8/3 -5Y R8/3 -5Y R8/3 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 7.5Y R -N2 ۷- پوشش گلی غلیظ 7.5Y R -N2
۳۴-۲M10- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 10Y R7/1 -10Y R7/1 -10Y R7/1 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R- N4 ۷- پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R- N4 ۸- تزئین کنده
۳۵-۲I12- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 7.5Y R -N2-7.5Y R -N2 -7.5Y R -N2 -۵ کانی
۳۶-۲J10- چرخ‌ساز ۳ ناکافی ۴- 2.5 Y R3/4 -2.5 Y R3/4 -7.5 Y R -N2 -۵ کانی
۳۷-۲L9- چرخ‌ساز ۳ ناکافی ۴- 2.5 Y R5/4 -7.5 Y R -N2 -7.5 Y R -N2 -۵ کانی
۳۸-۲N12- چرخ‌ساز ۳ ناکافی ۴- 5 Y R3/3+7.5 Y R -N2 -7.5 Y R -N2 -7.5 Y R -N2 -۵ کانی
۳۹-۲L13- چرخ‌ساز ۳ ناکافی ۴- 7.5Y R 4/2 -7.5Y R -N2 -7.5Y R -N2 -۵ کانی
۴۰-۲M13- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 5 Y R- 7/6 -5 Y R- 7/6 -5 Y R- 7/6 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R- N2 ۸- پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R- N2
۴۱-۲K10- چرخ‌ساز ۳ کافی ۴- 2.5 Y R- 8/4 -2.5 Y R- 8/4 -2.5 Y R- 8/4 -۵ کانی ۶- پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R- N2 ۸- پوشش گلی غلیظ 7.5 Y R- N2

نبوده است. در محوطه قلعه گلرخ براساس مقایسه گونه‌شناختی ظروف ساسانی بیشترین درصد از مجموعه سفال‌ها را تشکیل می‌دهد، اما در این محوطه ظروفی هم از نوع اواخر اشکانی و یا آغاز دوران اسلامی وجود دارد. در مجموعه ظروف سفالی گلرخ تنوع رنگ و گونه‌های مختلف ظروف وجود دارد که این پیچیدگی نشان‌دهنده روابط تجاری این محوطه از اواخر دوره اشکانی، طی دوره ساسانی و آغاز دوران اسلامی با کرانه‌ها، پس‌کرانه‌ها و حوزه فرهنگی خلیج فارس است. ویژگی‌های فنی سفال‌های ساسانی در قلعه گلرخ و مقایسه آن‌ها با ظروف هم‌عصر در سایر محوطه‌های این دوره نشان می‌دهد این محوطه در برهم‌کنش‌های سیاسی، تجاری و اقتصادی جنوب ایران نقش فعالی داشته است. علاوه بر وجود سگه ضرب داراگرد که خود می‌تواند نشانگر فعالیت‌های اقتصادی و تجاری باشد، در این محوطه، نقوش تزئینی مشابه و یا شباهت نزدیک انواع لبه ظروف با محوطه‌های سوهار، رأس‌الخیمه، سیراف، قشم، حاجی‌آباد، داراگرد، بیشاپور، قصر ابونصر و کاریان نشان می‌دهد که این محوطه نه تنها با محوطه‌ها و بنادر واقع در حوزه اردشیرخوره ارتباط داشته است؛ بلکه در روابط اقتصادی و مسیر تجاری اردشیرخوره با بنادر خلیج فارس فعال و پویا بوده است. علاوه بر مشابهت گونه‌شناختی، نسبت درصد فراوانی تزئینات و هم‌چنین فرم لبه در محوطه‌های ذکرشده با قلعه گلرخ تقریباً مشابه است. وجود ظروف سفالی قرمز رنگ منسوب به ظروف هندی در محوطه قلعه گلرخ بیانگر ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای این محوطه در تجارت خلیج فارس است. در پایان باید عنوان داشت که با توجه به کمبود مدارک باستان‌شناختی از چگونگی و حجم مبادلات تجارت دوره ساسانی در کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس، مشکل می‌توان این نظام پیچیده را بازسازی کرد. با توجه به نکات مطرح‌شده، قلعه گلرخ را می‌توان به عنوان یک حلقه در اتصال مناطق تجاری خلیج فارس به مناطق شمالی حوزه اردشیرخوره و هم‌چنین کنترل و محافظت از دشت و راه‌های بازرگانی معرفی کرد؛ چراکه تغییر راه ارتباطی بنادر خلیج فارس پس از افول سیراف را می‌توان یکی از دلایل پایان استقرار در قلعه گلرخ عنوان کرد.

سپاسگزاری

از اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان فارس، پژوهشکده باستان‌شناسی و اداره میراث فرهنگی شهرستان لامرد و شورای شهر چاه‌ورز جهت همکاری در صدور مجوز و همکاری در انجام برنامه میدانی سپاسگزاری به عمل می‌آید.

پی‌نوشت

1. Full Coverage.
2. Intensive.

۳. نخستین تلاش برای تطبیق یافته‌های سفالی در محوطه‌های ساسانی توسط «ریچارد اتینگهاوزن» صورت گرفته است؛ وی، سفال ساسانی (فرم و تزئین) را ادامه سفال اشکانی می‌داند، اگرچه برخی از فرم‌های وام‌گرفته از مدل‌های

فلزی در دوره ساسانی جدید است، به طور کلی تغییرات تدریجی و اندک است (Ettinghausen, 1938: 646). براساس مجموعه سفال‌های به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی مربوط به دوره ساسانی بوشارلات هفت منطقه فرهنگی جغرافیایی سفال ساسانی را مشخص و ارائه کرده است؛ ۱- منطقه جنوب غرب ایران ۲- منطقه غرب و شمال غرب ایران؛ ۳- شمال ایران؛ ۴- شمال شرق ایران؛ ۵- شرق ایران؛ ۶- جنوب شرق ایران و ناحیه ساحلی؛ ۷- جنوب ایران (Bucharat, 1991: 305-307).

کتابنامه

- ابن بلخی، ۱۳۷۴، فارسنامه. براساس متن مصحح: لسترنج و نیکسن، توضیح و تحشیه از: منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، ۱۳۴۰، مسالک و ممالک. به کوشش: ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- امیری، مصیب؛ موسوی کوهپیر، سید مهدی؛ و خادمی ندوشن، فرهنگ، ۱۳۹۱، «طبقه بندی و گونه شناسی سفالی‌های ساسانی-اسلامی بیشاپور مطالعه موردی: سفال‌های فصل نهم کاوش». مطالعات باستان‌شناسی، بهار و تابستان، شماره ۵، صص: ۱-۳۲۰.
- خسروزاده، علیرضا، ۱۳۹۲، «محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیره قشم». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۵، دوره ۳، صص: ۱۰۰-۷۹.
- دارک، کن. آر، ۱۳۷۹، مبانی نظری باستان‌شناسی. ترجمه کامیار عبدی، مرکز نشر دانشگاهی.
- سرفراز، علی اکبر؛ چایچی امیرخیز، احمد؛ و سعیدی، محمدرضا، ۱۳۹۳، شهر باستانی بیشاپور، تهران: انتشارات سمت.
- عسکری چاوردی، علیرضا، ۱۳۸۲، «گاه‌نگاری نسبی سفال‌های نمونه برداری شده از محوطه‌های باستانی واقع در پس کرانه‌های خلیج فارس». دومین همایش باستان‌شناسان جوان ایران، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و جهاد دانشگاهی، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- عسکری چاوردی، علیرضا؛ و آذرنوش، مسعود، ۱۳۸۳، «بررسی باستان‌شناختی پس کرانه‌های خلیج فارس: شهرستان‌های لامرد و مهر، فارس». مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱۸، شماره ۱، بهار و تابستان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص: ۱-۱۸.
- عسکری چاوردی، علیرضا؛ و کائیم، باربارا، ۱۳۹۱، پژوهش‌های باستان‌شناسی در منطقه کاریان لارستان: فرضیه‌ای پیرامون محل آتش آذرفرینغ». نامورنامه؛ مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، ۱۲، تهران: ایران نگار، صص: ۳۴۷-۳۶۸
- عسکری چاوردی، علیرضا، ۱۳۹۲، پژوهش‌های باستان‌شناسی کرانه‌های خلیج فارس شهرستان‌های لامرد و مهر، فارس. نشر سبحان نور و دانشگاه هنر شیراز.
- کریمی، هادی، ۱۳۹۱، جغرافیای علامرودشت. انتشارات ایراهستان.
- کنت، درک، ۱۳۹۳، سفال‌های ساسانی و اسلامی رأس الخیمه (طبقه بندی و بررسی تجارت در حوزه غربی اقیانوس هند)، ترجمه علیرضا خسروزاده و محمد مرتضایی، تبریز: ناشر پروژه ترجمه حسنلو.

- نولدکه، تئودور، ۱۳۷۸، تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان. ترجمه عباس زریاب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.
- ویلیامسون، آندره، ۱۳۵۱، «تجارت در خلیج فارس در دوره ساسانیان و قرون اول و دوم هجری». باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۹ و ۱۰، زمستان، صص: ۱۴۲-۱۵۱.

- Alden, J. M. & Balcer, J. M., 1978, "Excavation at Tal-i Malyan. Part I. A Sassanian Kiln. Part II. Parthian and Sassanian Coins and Burials (1976)". *Journal of the British Institute of Persian Studies: Iran*, Vol. XVI, Pp: 79-92.

- Amiri, M.; Mousavi Kouhpar, S. M. & Khademi Nadooshan. F, 2012, "Classification and typological study of sasanian- Islamic potteries of Bishapour, Case from the 9 th Season of excavation". *Journal of Archaeological Studies*, Vol 5, N.1, Pp1- 32 (in Persian).

- Askari Chaverdi, A.; 2003, "Relative chronology of pottery sampled from ancient sites located in the coasts of the Persian Gulf". *The Second Conference of Young Archaeologists of Iran*, Tehran: University of Tehran, Iran Cultural Heritage (in Persian).

- Askari Chaverdi, A.; 2013, *Archaeological researches of the Persian Gulf coasts of Lamerd and Mohr counties*. Fars. Shiraz. Sobhan Noor Publishing and Shiraz University of Arts (in Persian).

- Askari Chaverdi, A. & Azarnoosh, M, 2013, "Archaeological researches of the Persian Gulf coasts of Lamerd and Mehr counties". *Journal of Archeology and History*, Vol. 18, No. 1, Tehran, Markaz Nashr Daneshgahi, Pp 1-18 (in Persian).

- Askari Chaverdi, A.; Kaim, B., 2012, "Archaeological research in the Karian region of Larestan: A hypothesis about the location of the Azarfarnbagh fire". *Namvar Nameh*, Tehran: Iran negar, Pp: 347-368 (in Persian).

- Azarnoush, M., 1994, *The Sasanian manor house at hajiabad*. Iran Firenze Le Lettere.

- Boucharlat, R & Haerinck, H., 1991, "Ceramics Xii. The Parthian and sasanian periods". *Encyclopaedia Iranica*, edit by: E. Yarshater. *EnIr* 5, Pp: 304-307.

- Dark, K. R., 2000, *Theoretical Archaeology*. Translated by: Kamyar Abdi, Markaz Nashr Daneshgahi (in Persian).

- Ettinghausen, R., 1938, "Parthian and Sasanian Pottery". In: *Survey of Persian Art*, No. I, Pp: 646-80.

- Karimian, H. & Seyedein, S., 2010, "A preliminary survey at the circular city of Darabgird, Iran". *Antiquity*, Vol. 084, Issue 324, [serial online].
- Hojabri-Nobari, A.; Khosrawzadeh, A.; Mousavi, K. M. & Vahdatinasab, H., 2011, "Trade and Cultural Contacts between Northern and Southern Persian Gulf during Parthians and Sasanians: A Study Based on Pottery from Qeshm Island". *Intl. J. Humanities*, Vol. 18 (2), Pp: 89-115.
- Huff, D. & Gignoux, Ph., 1978, "Ausgrabungen auf Qal,a-ye Dukhtar". *Archeologische Mitteilungen aus Iran*, No. II, Pp: 143-147.
- Huff, D., 1993, "Architecture Sassanides". In: *Splendeur Des Sasanides*, Ed: Balty, J (Bruxelles, Musees Royaux D, Art, Ed, Historie), Pp: 45-61.
- Ibn Balkhi, 1995, *Fars-Nameh*. G. Le Strage and R. Nicholson (eds.), Shiraz, Bonyad Fars Shenasi (in Persian).
- Istakhri, A. I. I., 1961, *Masalek va Mamalek*. ed. with an introduction and commentary by: Iraj Afshar, Bongah-e Tarjomeh va Nashr-e ketab (in Persian).
- Karimi, H, 2012, *Geography of Ala-Marvdasht*. Irahestan Publications (in Persian).
- Karlovsky, C. L., 1970, "Excavation at Tepe Yahya, Iran 1967-1969". *Progress Report 1*, Cambridge, Massachusetts, Pp: 1-33.
- Kennet, D., 2002, "Sasanian Pottery in Southern Iran and eastern Arabia". *Journal of the British Institute of persian studies: Iran*, vol. 40, Pp: 153-162.
- Kennet, D., 2004, *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-Khaimah*. England: Oxford OX2 7ED.
- Kervran, M., 2004, "Archaeological Research at Suhâr, 1980-1986". *Journal of Oman Studies*, Vol. 13, 120, Pp: 263-383.
- Kennet, D., 2014, *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-Khaimah (classification and study of trade in the western Indian Ocean)*. Translated by: Alireza Khosrozadeh and Mohammad Mortezaei, publisher of Hasanlu translation project, Tabriz (in Persian).
- Khosrowzadeh, A., 2014, "The Parthian Settlements and Sites in the Qeshm Island". *Archaeological Researches of Iran*, Vol. 3, No. 5, Pp: 79 – 100 (in Persian).
- Sarfaraz, A. & Chayechi Amirkhiz, A., 2014, *Saeidi, The anceient city of Bishapur*. Samt (in Persian).
- Tampoe, M., 1989, *Maritime trade between China and the West : an archaeological study of the ceramics from Siraf (Persian Gulf)*. 8th to 15th centuries A.D, Oxford: B. A. R.

- Whitcomb, D. S., 1985, *Before the Koses and Nightigales excavations at Qasr-I Abu Nasr, old shiraz*. NEW YORK, Metrolitan Museum of Art.
- Whitehouse, D., 1972, "Siraf", *Excavation in Iran*. The British Contribution, Oxford, Pp: 34-37.
- Whitehouse D. & Andrew, W., 1973, "Sasanian Maritime Trad British of Persian Studies". *Journal of the British Institute of persian studies: Iran*, Vol. 11, Pp: 29-49.
- Willamson, A., 1972, "Persian Gulf commerce in the Sasaniiian period and the first two centuries of Islam". *Revue D'Archeologie Et D'Art Iraniens*, No. 9-10, Pp: 142-151 (in Persian).